



---

---

## اصطلاحات قرآن

# أُمِّي

سید ابوالفضل میر محمدی

کلمه اُمِّي که منسوب به اُم است به تبع تعدد معانی اُم، معانی مختلفی دارد.

معانی لغوی اُم

لغت‌شناسان گرچه برای اُم معانی متعدد نوشته‌اند<sup>۱</sup> ولیکن بعضی از آنها از افراد معانی دیگرند و وضع مستقلی ندارند چنانکه خواهیم دید و بعضی از آنها خود دارای وضع مستقل هستند که عبارتند از:

.....  
۱ - مفردات راغب، لسان‌العرب، اقرب الموارد، مجمع البحرین.

- ا - مادر: که مشهورترین معنای کلمه ام است.
- ب - اصل و مرجع: که باید در صورت نیاز و لزوم به آن مراجعه کرد.
- پ - عمده و معظم: هرگاه لفظی دارای معانی مختلف باشد به مهمترین آنها ام اطلاق می‌شود.
- ت - جامع و مجمع: محلی که حاوی و در برگیرنده اشیائی است مانند «ام الدماغ» که به کاسه سر اطلاق می‌شود.

### معانی دیگر ام

ا - زوجات رسول اکرم صلی الله علیه و آله<sup>۲</sup>  
این اطلاق به اعتبار همان معنای اولین لفظ ام است یعنی مادر؛ زیرا زوجات رسول اکرم (ص) مانند مادر حقیقی هستند که ازدواج با آنها حرام و احترامشان لازم است.

اطلاق «امی» بر کسی که خواندن و نوشتن را بلد نیست، نیز شاید به همین اعتبار و مناسبت باشد یعنی همچنانکه در موقع تولد از مادر، خواندن و نوشتن بلد نبود اکنون نیز بلد نیست.

ب - اطلاق ام الكتاب بر آیات محکم<sup>۳</sup> به اعتبار معنی اصلی دوم است یعنی این آیات چون دارای مفهومی روشن می‌باشد برای آیات متشابه، مرجع و اصلند. و اطلاق ام القرى به مکه معظمه<sup>۴</sup> نیز می‌تواند به همین اعتبار باشد؛ زیرا مکه معظمه در میان قریه‌های اطراف خود تنها جایی بوده است که مردم در مراسم مختلف در آنجا اجتماع می‌کردند و آنجا را مرجع قرار می‌دادند. و نیز اطلاق «ام الكتاب» به لوح محفوظ<sup>۵</sup> می‌تواند به همین مناسبت باشد؛ زیرا اصلی است ثابت و مرجع.

۲ - النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ. سوره احزاب (۳۳): ۶. گفته شده ام در اصل امه بوده لذا جمع آن امهات آمده است.

۳ - هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ... آل عمران (۳): ۷.

۴ - وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا... انعام (۶): ۹۲.

۵ - يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يُعِدُّهُ أُمَّ الْكِتَابِ. رعد (۱۳): ۳۹.

پ - اطلاق «آم الطريق» به بزرگ راهها به اعتبار معنی اصلی سوم است یعنی معظم و مهم.

ت - اطلاق «آم الكتاب» به سوره مبارکه حمد می‌تواند به اعتبار معنی اصلی چهارم باشد؛ زیرا بر طبق روایاتی که خواهیم دید جامع اجمالی تمام قرآن کریم است.

شیخ محمد عبده می‌گوید: سوره فاتحه مشتمل است بر اجمال قرآن و تفصیل اصول آن... من نمی‌خواهم بگویم: حروف و اسرار و اشاراتی در سوره حمد است چنانکه می‌گویند: اسرار قرآن در فاتحه و اسرار فاتحه در بسمله و اسرار بسمله در باء و اسرار باء در نقطه زیر آن است، بلکه می‌گویم: قرآن کریم که در باره توحید، وعده و وعید، عبادت، راه سعادت، راه آنان که حدودالله را مراعات کرده‌اند و آنان که مراعات نکرده‌اند نازل شده، همه و همه در سوره حمد آمده است.<sup>۷</sup>

اشاره بدین نکته از سوی این دانشمند امر ابتکاری نیست، بلکه مأخوذ از احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

فضل بن شاذان از امام رضا(ع) نقل می‌کند:

خداوند بندگان خود را به خواندن حمد فرا خوانده تا قرآن مهجور نگردد و در خاطره‌ها بماند، سوره حمد جامع جمیع خیر و حکمت است و آنچه در آن آمده در سایر سوره‌ها نیامده است. سپس به يك يك آیه‌های آن به ضمیمه مطالبش اشاره فرموده و در آخر حدیث، به مطلب جامعی تذکر داده‌اند:

قَدْ اجتمع فيه من جوامع الخیر والحكمة من أمر الآخرة و الدنيا ما لا یجمعه شیء من الأشياء.<sup>۸</sup>

در سوره مبارکه حمد جمیع خیرات و حکم از امور دنیا و آخرت جمع است و در هیچ

۶ - یا جابر الا اعلمك أفضل سورة انزلها الله فی كتابه قال فقال له جابر بلی بایی انت و امی یا رسول الله علمنیها قال فعلمه الحمد، ام الكتاب... مجمع البیان، تفسیر سوره حمد، نقل از عیاشی از رسول خدا(ص).

۷ - المنار، چاپ دارالمعرفة، لبنان.

۸ - تفسیر برهان، سوره حمد، نقل از من لا یحضره الفقیه، صدوق، حدیث ۲۰.

چیزی چنین جامعیتی وجود ندارد.

### معنی اصطلاحی امّ

امّی منسوب به امّ در همه کاربردها نزد گروههای مختلف، دارای معنای واحد است یعنی: کسی که سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد.

لیکن در وجه تسمیه آن اختلاف است که آیا منسوب به امّ به معنای «مادر» است و یا منسوب به «امت» به معنای جماعت که غالباً بی سوادند.

یادآور می‌شود: در صورت دوم «تاء» امت به جهت نسبت حذف شده چنانکه در بصری و کوفی که منسوب به «بصره» و «کوفه» هستند نیز حذف شده است.

### کلمه امّی در قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی وارد شده که کلمه امّی به صورت مفرد و یا جمع در آنها آمده است و مقتضی است این آیات شریفه را مورد بررسی قرار دهیم و با بررسی نظرات بعضی از مفسرین معروف، نظریه و مختار خویش را در تفسیر این کلمه مبارکه ارائه دهیم:

- ۱ - وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ. (بقره/۷۸)
- ۲ - وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. (آل عمران/۲۰)
- ۳ - ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِينَ سَبِيلٌ... (آل عمران/۷۵)
- ۴ - الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ... (اعراف/۱۵۷)
- ۵ - فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ النَّبِيِّ الَّذِي الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوْهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ. (اعراف/۱۵۸)
- ۶ - هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ... (جمعه/۲)

با توجه به اینکه معمولاً دانشمندان علوم تفسیر، نظرات خویش را در باره این کلمه در تفسیر آیه ۷۸ سوره بقره ارائه می‌دهند لذا این آیه شریفه را ضمن بررسی و نقل آراء گروهی از مفسرین معروف شیعه و سنی مورد دقت و تحقیق قرار

می‌دهیم.

### معنای اُمّی از دیدگاه مفسرین

شیخ طوسی پس از آنکه آیه را به یهود منطبق می‌کند و اینکه بعضی از آنان امّی هستند می‌فرماید:

اکثر مفسران می‌نویسند: امّی کسی را گویند که قادر به خواندن و نوشتن نباشد. سپس در بیان وجه تسمیه اضافه می‌کند: اینان به جهت اینکه در حالت مادرزادی خود باقی مانده‌اند، امّی خوانده می‌شوند.<sup>۹</sup>

زمخشری نیز پس از آنکه آیه را به بعضی از یهود منطبق می‌کند می‌نویسد:

اینان قدرت بر خواندن تورات و دقت در آن را ندارند.<sup>۱۰</sup>

معلوم است وی کتاب را به تورات منحصر نمی‌کند بلکه مطلق کتاب را اراده

کرده است یعنی کسی که سواد خواندن را نداشته باشد، امّی خوانده می‌شود.

شیخ طبرسی نیز پس از آنکه آیه را به بعضی از یهود منطبق می‌کند

می‌نویسد:

اینان جاهل به محتویات توراتند و اگر هم الفاظی را بر زبان می‌آورند

حفظی (طوطی‌وار) است و به معنای آن توجه ندارند.<sup>۱۱</sup>

بدیهی است وی نیز امّی را منحصر در جاهل به تورات نمی‌کند بلکه او را

جاهل به مطلق کتاب می‌داند.

قرطبی نیز می‌نویسد: امّیون به کسانی گویند که سواد خواندن و نوشتن را

نداشته باشند و به حالت مادرزادی خود باقی مانده و کتابت و قرائت را یاد

نگرفته‌اند.<sup>۱۲</sup>

محمد رشید رضا می‌نویسد: خداوند متعال در آیات مکی اوصاف علمای یهود

۹ - تفسیر تبیان، در تفسیر آیه.

۱۰ - تفسیر کشاف، در تفسیر آیه.

۱۱ - تفسیر مجمع البیان، در تفسیر آیه.

۱۲ - تفسیر الجامع لاحکام القرآن، در تفسیر آیه.

را ذکر فرموده و در این آیه شریفه اوصاف عوام آنها را که عالم به کتاب و احکام نبودند بیان می‌فرماید: اینان در احکام و عقاید، هیچ گونه دلیل و برهانی ندارند هر چه را یاد گرفته‌اند خیالی و دلبخواه و به گمان و ظن است که آنها تقلیداً از علمای خود شنیده‌اند<sup>۱۳</sup>

روشن است این مفسر که شاگرد استادی چون شیخ محمد عبده است نیز امی را به جاهل کتابت اختصاص نداده بلکه آن را به عوام و جاهل یعنی بی‌سواد، و جاهل به قرائت و کتابت تفسیر نموده است.

علامه طباطبائی رحمه الله علیه نیز می‌نویسد: امی به کسی اطلاق می‌شود که سواد خواندن و نوشتن را نداشته باشد و آن منسوب به ام یعنی مادر است؛ زیرا مادر آنها بر حسب شفقت و عطوفت که بر اولاد خود دارند مانع می‌شوند که فرزندان آنان زحمت تعلیم و تربیت را تحمل نمایند.

پس با توجه به مطالبی که دانشمندان علوم قرآن در اعصار مختلفه در مفهوم کلمه «ام» بیان نموده‌اند و آنچه که در کتب لغت از اهل لغت دیده می‌شود، نباید تردید کرد که امی به معنای بی‌سواد است و بر کسی اطلاق می‌شود که سواد خواندن را نداشته باشد.

و اما اختصاص لفظ امی به کسی که قادر به کتابت نیست، دلیل و پشتوانه محکمی ندارد<sup>۱۴</sup> و روایات وارده در این زمینه نیز با یکدیگر متعارضند.

امی بودن پیغمبر اسلام (ص) (شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

اطلاق امی در آیات شریفه ۱۵۷ و ۱۵۹ سوره اعراف بر پیغمبر اکرم نیز بر همین منوال است یعنی آن حضرت امی بوده و سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند. البته این بدان معنی نیست که تحصیل خواندن و نوشتن کار دشواری است و یا امری

۱۳ - تفسیر المنار، تألیف محمد رشید رضا که اکثراً از استادش شیخ محمد عبده متوفای سال ۱۳۲۳ ق نقل می‌نماید.

۱۴ - چنین اختصاصی را در تفسیر مجمع البیان در بحث لغت می‌بینیم لیکن در بحث المعنی، امی را به معنای بی‌سواد که به محتوای کتاب (تورات) آگاهی ندارد تفسیر نموده است و در کتاب نهاییه ابن اثیر ذیل لغت «امم» نیز دیده می‌شود.

ناشایسته است بلکه همانطور که مرحوم مجلسی فرموده: قدرت [ثبت] خطوط بر روی صفحات کاغذ بر کسی که خدای متعال او را به شق القمر و بالاتر از آن قادر فرموده، کار آسانی است.<sup>۱۵</sup> لکن مصالحي در بين بوده که موجب شده پیغمبر اسلام (ص) چنین باشند چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره فرموده است.

مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَحِطُّوا بِمَا فِي يَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ. (عنکبوت/۴۸)

ای پیغمبر هرگاه تو خواندن و نوشتن می دانستی می گفتند: قرآن را از کتابها جمع آوری کرده ای و به نبوت تو شك می کردند. (و اگر امی باشی دیگر راهی برای تشکیک آنان نمانده و به ناچار تو را تصدیق خواهند کرد).

علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه در ذیل تفسیر آیه شریفه می نویسند: خدای متعال در این آیه شریفه به پیامبر خود توجه می دهد که اگر امی نبود یعنی سواد خواندن و نوشتن داشتی، آنان در باره تو شك می کردند. چنانکه در جای دیگر فرموده:

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْهِمْ وَلَا أَذْرِيكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ تَعْقِلُونَ. (یونس/۱۶).

سپس در تفسیر آیه می فرماید: خداوند متعال به پیغمبرش دستور می دهد به آنان (آنان که از تو قرآن دیگری می خواهند) بگو این قرآن را که آورده ام با تعلیم خدا آورده ام اگر نمی خواست این را نیز نمی آوردم و شما را از آن آگاه نمی ساختم، شما می دانید من مدت ها عمرم را در میان شما سپری کرده ام. (و نزد کسی درس نخوانده ام چگونه می توانم قرآن دیگری بیاورم؟)<sup>۱۶</sup> این آیات شریفه اگر چه اجمالاً دلالت دارند بر اینکه آن حضرت امی بوده و بر خواندن و نوشتن قدرت نداشته اند اما آیا این امی بودن در برهه ای از زمان

۱۵ - بحار، ط جدید، ج ۱۶، ص ۱۳۴.  
۱۶ - تفسیر المیزان، ط اعلمی، ج ۱۶، ص ۱۳۹.

بوده و یا در جمیع عمر امّی بوده‌اند؟ مطلبی است که از این آیات استفاده نمی‌شود  
لذا باید در اثبات یکی از طرفین احتمال، به روایات مراجعه نمود.

مرحوم سید مرتضی رضوان الله تعالی علیه در مسئله علم النبی (ص) بالکتابه  
و القرائه سؤالی مطرح می‌نماید که آیا لازم است نبی، عالم به قرائت و کتابت باشد  
یا نه؟ و در پاسخ می‌فرماید لزومی ندارد؛ زیرا کتابت مانند سایر صناعات است و  
احتمال می‌دهیم پیامبر با آن صناعات آشنا باشند یا نباشند و در مورد نگارش و  
کتابت نیز همین دو احتمال وجود دارد، سپس می‌گوید:

آیا آیه شریفه: مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَحِطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَأْتَابَ  
الْمُبْطِلُونَ. (عنکبوت/۴۸) دلالت نمی‌کند بر اینکه آن حضرت قادر به قرائت و کتابت  
نبوده است؟ و در پاسخ می‌فرماید:

آیه شریفه دلالت دارد که آن حضرت قبل از نبوت، عالم نبوده چنانچه  
اصحاب ما معتقدند و اما بعد از نبوت ممکن است از جبرئیل یاد گرفته باشد و ظاهر  
آیه نیز دال بر همین امر است.

و نیز سؤالی مطرح می‌کند که اصحاب روایت کرده‌اند: آن حضرت وقتی  
پیمان نامه حدیبیه را با سهیل بن عمرو منعقد می‌فرمود: در پاسخ اعتراض وی که  
چرا خود را پیغمبر خدا نوشته‌ای و باید آن را از بین ببری و اسم خود را بنویسی  
و پس از امتناع علی (ع) از محو آن، خود آن را از بین برد و نام خود را نوشت، در  
پاسخ می‌فرماید: این اخبار چون آحادند حجیتی ندارند.<sup>۱۷</sup> سپس در آخر بحث و  
پس از آنکه در مسئله به نتیجه قطعی نمی‌رسد می‌فرماید:

اما اصحاب ما که معتقدند پیامبر اسلام (ص) قبل از بعثت نیز عالم به  
کتابت بوده، از توصیف آن حضرت به اُمّیت چنانکه در قرآن شریف آمده پاسخ  
داده‌اند: مراد از امّی که به حضرت اطلاق شده از جهت انتساب وی به امّ  
القراء (مکه) می‌باشد.

.....  
۱۷ - رسائل سید مرتضی، مجموعه اولی، باب علم النبی، بالقرائنه و الکتابه، ص ۱۰۷.



## امی در روایات

روایاتی که در ارتباط با این بحث وارد شده با توجه به تعارضی که در میان آنها است نمی‌توانند قابل تمسک باشند و ما برخی از این روایات را نقل می‌کنیم:

\* ۱ - شیخ مفید رحمه الله علیه می‌نویسد: در قضیه حدیبیه که کار به صلح کشید پیامبر اسلام (ص) از جانب خداوند مأمور گشت که پیشنهاد صلح را بپذیرد. پس علی (ع) را دستور داد تا صلحنامه را بنویسد و فرمود:

یا علی (ع) بنویس این قرار دادی است از طرف محمد رسول الله (ص) با سهیل بن عمرو، ولی سهیل گفت: ما پیامبری تو را قبول نداریم و اگر قبول می‌داشتیم نزاع نمی‌کردیم، بنویس محمد بن عبدالله. حضرت فرمود یا علی [کلمه] رسول الله (ص) را پاک نما و به جای آن خواسته سهیل را بنویس. علی (ع) عرض کرد: دستم به محو [این کلمه] یاری نمی‌کند. آنگاه فرمود پس دست مرا روی آن کلمه بگذار تا خود آن را محو کنم و چنین کرد...<sup>۱۸</sup>

\* ۲ - از تفسیر قمی نقل شده که امام صادق (ع) فرمود: در این حدیث آمده علی (ع) عرض کرد: من اسم تو را از نبوت محو نمی‌کنم. آنگاه خود حضرت آن کلمه را محو فرمود و نوشت محمد بن عبدالله...<sup>۱۹</sup>

قطب راوندی نیز جریان را بدین ترتیب از اصحاب نقل می‌فرماید که حضرت خود آن جمله را نوشت.<sup>۲۰</sup> و در برخی کتب عامه نیز مضمون دومی نقل شده است.

مجلسی رحمه الله علیه می‌نویسد: در کتاب جامع الاصول از یکی از کتب صحاح عامه از براء بن عازب نقل می‌کند: وقتی علی (ع) از محو کلمه رسول الله عذر خواست پیغمبر (ص) خود آن را محو نمود و به جای آن محمد بن عبدالله نوشت...<sup>۲۱</sup>

۱۸ - ارشاد شیخ مفید، چاپ بیروت، (اعلمی)، ص ۱۶۳.

۱۹ - بحار، ج ۲۰، ص ۳۵۲.

۲۰ - رسائل سید مرتضی، مجموعه اولی، ص ۱۰۶.

۲۱ - بحار، ج ۲۰، ص ۳۷۱.

لیکن در برخی کتب عامه آمده است: پیامبر خدا(ص) به علی(ع) فرمود: یا علی، عوض محمد رسول الله(ص) محمد بن عبدالله بنویس<sup>۲۲</sup> و در نقل دیگری آمده است: پیامبر اسلام به کفار قریش فرمود: بنویسید و آنها جمله محمد بن عبدالله(ص) را نوشتند.<sup>۲۳</sup>

پس با توجه به تعارضی که در بین اخبار ما و اخبار عامه دیده می شود نمی توان برای یکی از وجوه بحث به آنها تمسک کرد.

\* ۳- ابان از حسن صیقل روایت می کند: از امام صادق(ع) شنیدم از جمله نعمتهای خداوند این است که پیامبر اسلام(ص) امی بود، نمی نوشت ولی قرائت می کرد.<sup>۲۴</sup>

\* ۴- جعفر بن محمد صوفی می گوید از امام جواد(ع) پرسیدم که چرا پیغمبر را امی گفته اند؟ فرمود: مردم چه می گویند؟ عرض کردم می گویند: چون آن حضرت نمی توانست بنویسد به او امی گفته شده است. فرمود دروغ می گویند، لعنت خدا بر آنان باد! کسی که خداوند او را در میان امیین مبعوث فرمود تا آیاتش را بر آنان تلاوت کرده و آنها را تزکیه نماید و کتاب و حکمت تعلیم کند، می شود عالم به آنها نباشد و چیزی را که نمی داند تعلیم نماید... و اطلاق امی به جهت انتسابش به امّ القرئی و مکه بود.<sup>۲۵</sup>

با توجه به تعارضی که در بین این دو حدیث است نمی توان به آنها نیز تمسک کرد مگر اینکه هر يك را به جهتی، غیر از جهت دیگری حمل نموده و بگوئیم حدیثی که نفی کتابت می کند قدرت را نفی نمی کند بلکه فعلیت را انکار می کند و در نتیجه آن حضرت قدرت بر کتابت داشته ولی نمی نوشتند، چنانکه معروف است آن حضرت در تمام عمرشان چیزی ننوشته اند جز خبری که در ارتباط با صلحنامه نقل شده است که آن حضرت جمله «محمد بن عبدالله» را پس از محو «محمد

۲۲ - کنز العمال، چاپ مؤسسة الرسالة، ج ۱۰، ص ۴۸۰.

۲۳ - همان، ص ۴۸۷.

۲۴ - بحار، ج ۱۶، ص ۱۳۲، نقل از علل الشرایع.

۲۵ - بحار، ج ۱۶، ص ۱۳۲، به نقل از علل الشرایع.

رسول الله» نوشت، لیکن این خبر به جهت معارضه با دیگر اخبار قابل استدلال نمی‌باشد چنانکه گذشت.

ناگفته نماند: حدیث امام جواد علیه السلام با ظاهر آیه شریفه قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِيكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. نیز با ظاهر آیه شریفه مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَحِطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ. تنافی دارد؛ زیرا خداوند در این دو آیه شریفه یادآور می‌شود که آن حضرت در قسمتی از ادوار عمرش از قرائت و کتابت ناتوان بوده‌اند ولی حدیث، ناتوانی آن حضرت را در تمام سالها نفی می‌نماید. با این همه می‌توان گفت: آیات شریفه، ناظر به سالهای قبل از بعثت هستند و اینکه آن حضرت در مدت چهل سال نزد کسی قرائت یاد نگرفته‌اند. و اگر غیر آن بود مردم به شك می‌افتادند و قرآن را به غیر پیامبر (ص) نسبت می‌دادند. و اما پس از نبوت با یاری خدای بزرگ قدرت بر آنها پیدا کرده‌اند. بنابراین این تنافی نیز با این بیان برطرف خواهد شد.

#### خلاصه بحث

از قرآن کریم استفاده می‌شود که آن حضرت قبل از نبوتش امی بوده‌اند و مصالح نیز اقتضا می‌کرد تا زمان بعثت امی باقی بمانند تا کفار نگویند: پیامبر (ص) مطالب قرآن را از این و آن جمع آوری نموده و در یکجا نوشته است. اما پس از آنکه قرآن کریم قطعیت پیدا کرد و ثابت شد که وحی الهی است شاید بتوان گفت که آن حضرت قرائت و کتابت را از جبرئیل (ع) فرا گرفته است. به هر حال ترجیح قطعی یکی از طرفین را نمی‌شود از قرآن کریم استفاده کرد، و همانطور که گفته شد با توجه به اختلاف و تعارض روایات نمی‌توان به آنها نیز تمسک کرد. آنچه موجب استبعاد می‌شود این مطلب است که چگونه پیامبر اسلام در باره کتابت و قلم آن همه فضیلت را نقل می‌فرماید و امت خود را به فراگیری آنها تشویق می‌نمایند اما خود از آن محروم مانده و تا آخر عمر بدون جهت در امیت باقی می‌مانند. هرگز!!!